

# الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی"

۱

عدالت اجتماعی  
رونق اقتصادی  
زندگی برازنده ایرانی

- محسن مهرعلیزاده -

سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری



**برنامه توسعه محور  
برای سیزدهمین دوره انتخابات  
ریاست جمهوری**

# الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی"

عدالت اجتماعی

رونق اقتصادی

زندگی برازنده ایرانی

محسن مهرعلیزاده

اقتدار مدیریتی مبتنی بر تامین عدالت اجتماعی، زندگی  
شرافتمندانه برازنده ایرانی، آسایش و آرامش از طریق  
علم، دانایی، کارآمدی و مهارت مدیریتی.

اشتغال، رشد تولید و اقتدار شهروندی.

اقتصاد اجتماعی: تحول در اقتصاد برای ثبات، پایداری و  
پیشرفت اجتماعی.

## فهرست مطالب

۹	چکیده اجرایی
۱۵	پیشگفتار
۱۹	۱- مقدمه
۲۷	۲- سازگاری نظریه مدل اقتصاد اجتماعی با آرمان‌ها و اهداف
۳۵	۳- ضرورت حکمرانی بر مبنای "اقتصاد اجتماعی"
۳۹	۴- مدیریت در حکمرانی مبتنی بر "اقتصاد اجتماعی"
۴۳	۵- برنامه توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
۴۴	۵-۱- فرهنگی
۴۵	۵-۲- اجتماعی
۴۸	۵-۳- سیاست داخلی
۴۹	۵-۴- اقتصادی
۵۲	۵-۵- سیاست خارجی
۵۵	پیوست: فهرست گزارش‌های اقتصاد اجتماعی

## چکیده اجرایی

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده موانعی که سبب شده، حرکت‌ها و تلاش‌های سیاسی و اجتماعی کشور ما نتوانند آن چنان که مطلوب بوده است، به اهداف خود نایل آیند و این ناکامی گاهی سرخوردگی و یاس و انفعال گسترده‌ای را بار آورده است، در سه عامل مهم خلاصه می‌شود. این سه عامل عبارت است از:

### کاستی‌های نظری

### نارکارآمدی مدیریتی

### نبود مشارکت اجتماعی و تعامل سیاسی

برای غلبه بر ناکامی‌ها، برنامه‌ای مبتنی بر الگوی "اقتصاد اجتماعی" به‌عنوان مبنای حکمرانی خوب تدوین شده است. الگوی "اقتصاد اجتماعی" از یک سو توسعه فعالیت بخش خصوصی بر اساس ساز و کار بازار رقابتی را پی می‌گیرد و کارآفرینی و کارآمدی در اقتصاد دانش بنیان را پشتیبانی می‌کند و از طرف دیگر، حراست از حقوق بشر، به‌ویژه حقوق اجتماعی و کرامت انسان و جایگاه او در جامعه، را در سر لوحه خود قرار می‌دهد. اقتصاد بازار رقابتی زمینه برای تخصیص کارآمد منابع را فراهم می‌آورد و بهره‌برداری بهینه از عوامل تولید را جستجو می‌کند. چون بهره‌مندی از کارآمدی اقتصاد بر پایه بهره‌وری نهایی استوار است انگیزه مشارکت کارآفرینان، نیروی انسانی مسلط بر دانش فنی و مردم در تولید ثروت را بوجود می‌آورد و فرد به ایفای نقش

سازنده در تولید و فعالیت اجتماعی مورد تشویق قرار می‌گیرد زیرا دستاورد خود را صاحب است. ولی هزینه اجتماعی فعالیت انسان‌ها نیز در فرآیند کارکرد آحاد جامعه شکل می‌گیرد. هزینه‌های اجتماعی ناشی از فقر، بی‌کاری، شکاف‌های اجتماعی، یاس و ناامیدی اجتماعی، افول اخلاق حرفه‌ای و اجتماعی، به خطر افتادن امنیت، آلودگی محیط زیست و تخریب منابع از جمله هزینه‌های اجتماعی هستند که ناگزیر ناکارآمدی را بر جامعه تحمیل می‌نمایند. کمیته‌سازی هزینه‌های اجتماعی مسئولیت دولت است که فراتر از نگاه فردی به زندگی اجتماعی و منافع ملی می‌نگرد و از طریق کاهش هزینه‌های اجتماعی همبستگی ملی را ارتقا می‌دهد. کمیته‌سازی هزینه‌های اجتماعی ناشی از فعالیت اقتصادی باید سیاست دولت باشد ولی پیاده‌سازی این سیاست تنها با مشارکت فعال مردم و از طریق شکل‌گیری نهادهای و تشکل‌های مردمی و غیردولتی امکان‌پذیر است. موضوع فعالیت در این بخش پشتیبانی از سازمان‌های مردم‌نهاد و تخصیص منابع برای کارآمد نمودن نظام تامین اجتماعی و نگهداری از گنجینه تاریخی، ملی، طبیعی و محیط‌زیست کشور است. لذا، الگوی "**اقتصاد اجتماعی**" دو بال مهم را پی‌می‌جوید که کاهش هزینه‌های اقتصادی از طریق توسعه رقابت براساس ساز و کار بازار و پشتیبانی از بخش خصوصی کارآفرین یک وجه و کمیته‌سازی هزینه‌های اجتماعی و در پی آن ارتقای جایگاه انسان و ایجاد همبستگی ملی صورت دیگر آن است.

حکمرانی مبتنی بر الگوی "**اقتصاد اجتماعی**" با تکیه بر تعریف بنیان آن دارای ویژگی‌های زیر است:

بهترین ابزار اجرایی است که می‌تواند چارچوب عملیاتی برای پیاده‌سازی سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را تدوین نماید و به مرحله اجرا درآورد.

نظریه "**اقتصاد اجتماعی**" هم‌خوانی بسیار خوبی با اقتضایات فرهنگ، سیاست و اقتصاد کشور دارد و منطبق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.  
سیستم اجرایی مبتنی بر نظریه "**اقتصاد اجتماعی**" کاملاً پاسخ‌گوی

اقتضای کارآمد نمودن اقتصاد و معنویت قوی در جمهوری اسلامی ایران می باشد و راه حل پایدار برای ایجاد ثبات اقتصادی از طریق کاهش نرخ تورم، پشتیبانی از تولید رقابت پذیر و ایجاد اشتغال جدید از طریق افزایش کارایی اقتصاد آرایه می دهد.

### چالش های جامعه ایران را می توان در موارد زیر جمع بندی نمود.

- یاس و نا امیدی اجتماعی و کاهش مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی
- فقر مطلق در قریب به نصف خانوارهای جامعه، نرخ تورم بسیار بالا و ناکارآمد بودن مدیریت مالی و پولی
- ضعف مدیریت و وجود تشکیلات موازی در مجموعه های مختلف کشور و گسترش مدیریت دولتی دیوان سالار
- سطح بالای بی کاری، به ویژه در گروه سنی بین ۱۵ الی ۳۰ سال و بخصوص در بین فارغ التحصیلان دانشگاه ها
- تقابل جدی بین مصرف جاری و توسعه کشور و سطح اندک تشکیل سرمایه و سهم بالای مصرف جاری در تولید ناخالص داخلی، رجحان مطلوبیت و رضایت در کوتاه مدت بر نگرش بلند مدت و توسعه پایدار جامعه
- فرصت سوزی در تعاملات بین المللی و عدم بهره برداری از امکانات جهانی برای توسعه پایدار جامعه

مروری بر مسایل و چالش های بزرگ در فراراه توسعه همه جانبه جامعه حاکی از آن است که سازمان دهی نظام اجرایی کشور براساس نظریه مشخص و مبتنی بر دست آوردهای علوم در جامعه بشری یک الزام اجتماعی و تاریخی در این مرحله



از فرآیند توسعه کشور است. تجارب اجرایی جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته و ملل مختلف در یک قرن گذشته حاکی از آن است که ارایه پاسخ مناسب به ضرورت مزبور از طریق توسعه و کاربرد الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" با توجه به مفهوم تکامل یافته آن در اواخر قرن بیستم امکان پذیر خواهد بود. حکمرانی خوب ایجاد توازن در بین امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را مورد توجه قرار می دهد، توسعه و تعمیق سرمایه انسانی و اجتماعی را از طریق ارتقای سطح آموزش، نظام آموزشی، سلامت و تحرک مردم در سطوح مختلف پیگیری می نماید، حداکثر مشارکت مردم در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تضمین می کند، به ترویج گسترش فرهنگ مدرن سیاسی و اجتماعی از طریق تسهیل فعالیت های تشکل های غیردولتی و سیاسی اهتمام می ورزد، مبارزه با رانت اقتصادی، قضایی، سیاسی و اطلاعات، به عنوان یک ضرورت برای گسترش رقابت، افزایش امید فردی و اجتماعی و جلب مشارکت مردم را در سربلندی امور خود قرار می دهد و ایجاد فرصت های عادلانه برای احاد جامعه را وظیفه خود می شمارد.

برنامه ای که اینک تقدیم می شود مجموعه به هم تنیده و یکپارچه ای است که اجزای آن مشتمل بر امور فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حول یک محور مشخص و اساسی طراحی و تنظیم شده است و اجرای آن نیز بایستی با تاکید بر مجموعه یکپارچه انجام گیرد. حاصل تحقق اجرای مجموعه به هم پیوسته "عدالت اجتماعی و رونق اقتصادی، ایجاد زندگی برآزنده ایرانی و تعمیق حقوق شهروندی" خواهد بود و مشخصه آن "اقتدار مدیریتی مبتنی بر تامین عدالت اجتماعی، زندگی شرافتمندانه برآزنده ایرانی، آسایش و آرامش از طریق علم، دانایی، کارآمدی و مهارت مدیریتی" و "اشتغال، رشد تولید و اقتدار شهروندی و تحول در اقتصاد برای ثبات، پایداری و پیشرفت اجتماعی" است.

برنامه توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در پنج بخش عمده تحت عناوین فرهنگی، اجتماعی، سیاست داخلی، اقتصاد و سیاست خارجی تنظیم شده است.

• فرهنگی:

توسعه هویت، غرور ملی و دینی و تعمیق فرهنگ ایرانی.

• **اجتماعی:**

عدالت اجتماعی، اقتدار شهروندی، تعمیق حقوق شهروندی و آرامش.

• **سیاست داخلی:**

توسعه تعامل سیاسی، حداکثر مشارکت مردم در امور جامعه، قانون مداری و امنیت ملی.

• **اقتصادی:**

توسعه پایدار، ایجاد ثبات اقتصادی، کاهش نرخ تورم، ایجاد اشتغال، افزایش تولید، کارآمدی و ارتقای کیفیت زندگی برازنده ایرانی.

• **سیاست خارجی:**

صلح و ثبات و هم‌کاری منطقه‌ای و بین‌المللی براساس عزت، حکمت و مصلحت برای تامین منافع ملی

## پیشگفتار

جمهوری اسلامی ایران حاصل پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی و مردمی ایران است و ویژگی بنیادی این انقلاب، اسلامی بودن آن و مشارکت اکثریت قاطع مردم در پیروزی، تحکیم و تعمیق آن است. جمهوری اسلامی ایران در فرآیند توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در چهاردهه گذشته به مرحله ای از تکامل خود رسیده است که در سایه اسلامیت نظام، جمهوریت نظام نقش مهمی را در توسعه کشور ایفا می نماید و مردم با به کارگیری سازوکارهای انتخاباتی در مورد تایید یا اعتراض به سیاست ها و رفتارهای مشخص اقدام می نمایند. تحلیل رفتارهای انتخاباتی مردم نشان می دهد که برنامه محوری، لزوم تدوین و اجرای برنامه جامع توسعه کشور، اقتدار قوه مجریه مبتنی بر دانایی، برنامه محوری، استقرار کامل مردم سالاری، ثبات و آرامش در جامعه و روی کار آمدن یک رییس جمهور مقتدر خواست اصلی مردم شریف و با فرهنگ جمهوری اسلامی ایران است.

نابه سامانی های اقتصادی در یک دهه گذشته، افزایش بی کاری، نرخ تورم بالا در اقتصاد، کاهش قدرت خرید مردم، افزایش تعداد خانوارهای زیر خط فقر، رشد منفی تولید ناخالص داخلی، گسترده شدن شکاف طبقاتی وضعیت بسیار پیچیده ای را در جامعه بوجود آورده که مقابله با چالش های اقتصادی و اجتماعی دیگر با سطحی نگری و برنامه های غیر علمی بدون پایه غیرممکن است و اتکا به مبانی علمی و مشارکت فکری و عملی حداکثری مردم و بیان

شفاف و صادقانه مسایل با مردم و ایجاد همبستگی ملی برای حل مسایل اقتصادی به یک الزام اجتماعی تبدیل شده است. گسترش و تعمیق مشکلات اقتصادی و ریزش طبقه متوسط جامعه به گروه‌های اجتماعی درگیر مشکلات معیشتی برامید اجتماعی آسیب وارد نموده و تدوین برنامه علمی و کاربردی را به یک ضرورت تبدیل کرده است.

مطالبه برنامه جامع توسعه کشور به منظور سازمان دهی توسعه پایدار و تامین رفاه اجتماعی یک نقطه عطف در فرآیند توسعه نظام جمهوری اسلامی ایران است و ارایه پاسخ مناسب به خواست برحق و متعالی مردم یک الزام تاریخی و اجتماعی است که بایستی بدان اقدام شود.

بنده به عنوان خدمت‌گزار مردم شریف، فهیم و بزرگوار ایران و با تکیه بر تجارب مدیریتی و اجرایی از سطح کارشناسی و مهندسی طراحی تا سطوح عالی مدیریت به عنوان معاون رییس جمهور، معاون وزیر، استاندار در استان‌های بزرگ کشور و مجری و بنیان‌گذار چندین طرح عمرانی، اقتصادی و فرهنگی اعتقاد راسخ دارم با تدوین و اجرای برنامه جامع توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امکان کارآمد نمودن مجموعه نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور فراهم می‌آید و از سوی دیگر، ابزار مناسب برای گسترش نظارت اجتماعی بر عملکرد دولت و پاسخ‌گویی رییس جمهور و دولت شکل می‌گیرد. لذا، لازم دیدم مجموعه‌ای از دیدگاه‌های برنامه‌ای خود را که حاصل هزارها ساعت مطالعه و بررسی کارشناسان مجرب در علوم مرتبط و بهره‌برداری از واکاوی‌های شرایط موجود در کشور می‌باشد جهت گسترش مباحث اجتماعی در مورد آینده توسعه جمهوری اسلامی ایران به حضور هم‌میهنان گرامی تقدیم نمایم.

الگوی حکمرانی "**اقتصاد اجتماعی**" که خواست، نگرش و اراده این جانب را منعکس می‌سازد به عنوان راه‌کار اساسی برای حل مشکلات فراروی کشور و تسریع امر توسعه همه‌جانبه و پایدار به حضور شما مردم شریف، فهیم و بزرگوار تقدیم می‌شود. اعتقاد کامل دارم با توکل به خداوند متعال و حمایت و پشتیبانی شما ملت شریف و آگاه و با اقتدار مدیریتی مبتنی بر دانایی، برنامه، تجربه، کارآمدی، ثبات و آرامش اجتماعی قادر خواهیم بود با گام‌های استوار و پایدار در راه تحقق اهداف والای نظام جمهوری اسلامی ایران، حل مشکلات کشورمان و ارتقای جایگاه و توانمندی میهن‌مان در عرصه‌های بین‌المللی حرکت کنیم.

باشد که نقد و بررسی دیدگاه‌های مختلف موجبات استقرار هر چه وسیع‌تر مردم سالاری دینی و بسط نگرش علمی در رفع مشکلات مردم را فراهم نماید و حرکت بر مبنای برنامه جامع توسعه کشور فردایی پراز شادی و آینده‌ای بهتر و زندگی برازنده ایرانی را برای مردم عزیز کشورمان به ارمغان آورد لازم می‌دانم اشاره کنم که الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" در خلاصه برنامه حاضر چکیده برنامه جامع را منعکس می‌سازد که به دنبال آن گزارش‌های تحلیلی و تفصیلی هر قسمت از چکیده برنامه و چگونگی عملیاتی نمودن هر بخش از برنامه حضور مردم بزرگوار و شریف ایران تقدیم می‌شود.

محسن مهرعلیزاده

اردیبهشت ۱۴۰۰

## ۱- مقدمه

تاریخ معاصر ایران، شاهد تلاش‌ها و مجاهدت‌های فراوانی بوده است که فرزندان این سرزمین برای رسیدن به آرمان‌های بلند انسانی، دینی و ملی خویش از خود به یادگار گذاشته‌اند. قیام تنباکو، انقلاب مشروطه، نهضت جنگل، جنبش ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی، حماسه دفاع مقدس، حمایت از نهضت‌های مقاومت و مدافعین حرم و دیپلماسی کارآمد برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی ظالمانه در زمره برجسته‌ترین این تلاش‌ها و در راه هدف، سرازیر نشناختن‌ها است. ملت ما در پیمودن این مسیر دستاوردهای فراوانی داشته است که استقلال ملی، دست‌یابی به علم و فناوری جدید و توسعه آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی از جمله آن‌ها است. در کنار این دستاوردها مشکلات فراوانی نیز وجود دارد که نیازمند تداوم تلاش و کوشش ماست. در واقع ما هنوز با آنچه وضعیت مطلوب ما است، فاصله بسیار داریم. هرگاه برقراری شرایطی که در آن رفاه، آزادی، عقلانیت، ایمان، عشق و امنیت توأمان تأمین می‌شوند، وضعیت مطلوب می‌باشد، هنوز راه نرفته بسیار است. بنابر این سعادت میهن، کماکان از ما تلاش و مجاهدت می‌طلبد و برماست که با شناخت دقیق وضعیت فعلی، در جستجوی منطقی‌ترین و صحیح‌ترین راه‌کارها برآییم و برای عملی کردن این راه‌کارها بر خیزیم و گامی برداریم.

به نظر می‌رسد مناسب‌ترین نقطه شروع در این عرصه، عبارت از صداقت دولت با مردم، جذب مشارکت حداکثری مردم برای ساخت ایرانی آباد، مستقل، آزاد و برنامه‌ریزی است. در واقع با تصویر شدن وضعیت مطلوب،

لازم است امکانات موجود را در چارچوب یک طرح حساب شده، برای رسیدن به هدف اصلی بسیج کنیم و گام به گام به سوی مقصود حرکت نماییم. در واقع هرگاه برنامه خوبی طراحی کنیم، مهم‌ترین گام در این عرصه برداشته شده است. اما سوال این است که مگر حرکت‌های قبلی ما فاقد برنامه بوده‌اند؟ و اگر برنامه‌ای وجود داشته است، چرا اهداف ما هنوز تحقق نیافته است؟ آیا ایراد در برنامه بوده است یا عواملی فراتر از برنامه‌ها مانع تحقق اهداف ما شده‌اند؟

این سوال یک پرسش بسیار جدی است و هر کس ادعای داشتن برنامه برای تحقق وضعیت مطلوب ایران را دارد، ابتدا باید به همین پرسش پاسخ دهد. یعنی اینکه چه چیزی برنامه وی را از برنامه‌های دیگر متمایز می‌سازد و ضامن این ادعا است که برنامه وی به سرنوشت برنامه‌های قبلی گرفتار نخواهد آمد.

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، موانعی که سبب شده، حرکت‌ها و تلاش‌های سیاسی و اجتماعی کشور ما نتوانند آن چنان که مطلوب بوده است، به اهداف خود نایل آیند و این ناکامی گاهی سرخوردگی و یاس و انفعال گسترده‌ای را ببار آورده است، در سه مورد خلاصه می‌شود. این سه عامل عبارت است از:

### کاستی‌های نظری

متأسفانه اغلب برنامه‌های اجرایی در سنوات گذشته فاقد پشتوانه نظری محکم بوده‌اند. گرچه سیاست‌های کلی نظام در چارچوب سند‌های بالادستی از جمله سند بیست ساله کشور، توسعه علم و فناوری، تاب‌آوری اقتصاد، محیط‌زیست، اصلاح الگوی مصرف و هدفمندی یارانه‌ها تدوین و ابلاغ شده است ولی به دلیل عدم به‌کارگیری الگوهای علمی شناخته شده توسعه محور و تدوین برنامه‌های پایین دستی، برنامه‌های پنج‌ساله و بودجه‌های سالانه دولت کمترین تأثیر را بر تحقق اهداف سیاست‌های کلی نظام داشته‌اند. تلفات و ضایعات منابع و محصولات، به‌ویژه منابع طبیعی و انرژی، و الگوی مصرف بی‌رویه هم‌چنان رو به گسترش است و گستره ضرورت بهینه‌سازی مصرف و کارآمدی تولید و عرضه کالاها و خدمات ابعاد وسیعی پیدا کرده است. ساختار و برنامه‌های اجرایی مطلوب

شفافیت کافی نداشته است. برنامه‌ها، قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی مرتبط با سیاست‌های کلی نظام و اسناد بالادستی برای پیشرفت اجتماعی فاقد انسجام درونی هستند و تفسیرهای فردی از قوانین و اعمال سلیقه در امور اجرایی آسیب‌های فراوانی بر پیشرفت کشور وارد نموده است. از این رو می‌توان گفت سیاست‌های کلی نظام و برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در واقع از جهت چگونگی اداره کشور با ابهامات نظری فراوانی مواجه‌اند و برای برنامه‌ریزی، مبانی نظری اندیشیده‌شده‌ای به‌کار گرفته نمی‌شوند. بنابراین عملکردها و برنامه‌های ما بر روی مبانی نالاستوار و بر پایه سلیقه و برداشت افراد قرار می‌گیرد و زمانی که آشفتگی‌ها و تناقضات آشکار می‌شوند، عقب‌نشینی‌ها آغاز شده و اهداف قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام دور از دسترس باقی می‌ماند.

مبانی نظری تبلور شناخت مدون انسان از قوانین اقتصاد، جامعه، طبیعت و محیط‌زیست است که کاربرد شناخت مدون شالوده‌مسنجم را برای تدوین سیاست‌ها و راهبردها براساس تحلیل ابعاد مسایل و دسترسی به اطلاعات قابل اتکا فراهم می‌آورد. هنگامی که شناخت علمی و عمیق از قوانین اقتصاد و جامعه مبانی تدوین سیاست‌ها و راهبردها نباشد مجموعه اقدامات اجرایی در تناقض با یکدیگر قرار می‌گیرند و جهت ارتباط بین اجزای جامعه در خلاف هم شکل پیدا می‌کنند. به جای اینکه اجزای راهبردها و اقدامات به هم‌افزایی نیروها منجر شود همبستگی اجتماعی را آسیب‌پذیر می‌نماید و به این ترتیب، شکاف طبقاتی، از هم‌گسیختگی زنجیره تولید و عرضه، عدم اشتغال عوامل تولید، هرزروی منابع اقتصادی و طبیعی، تضعیف اعتماد به حکمرانی، سست شدن پیوندهای اجتماعی ابعاد گسترده پیدا می‌کند.

جامعه همانند انسان یک ساختار اندام‌گونه دارد که هر جزء آن بر دیگر اجزا و کلیت اندام تأثیر دارد. هم‌چنان که اگر عضوی به درد آید کارکرد دیگر اعضای بدن انسان با اختلال مواجه می‌شود نبود پیوند سازنده و پیش‌برنده بین اجزای جامعه نیز کلیت اجتماع انسانی را با آشفتگی روبرو می‌کند. اگر بهبود عملکرد اعضای بدن انسان مستلزم کاربرد علم پزشکی است اصلاح و تقویت کارکرد نظام اندام‌گونه جامعه نیز تنها با شناخت مدون از قوانین اقتصاد و جامعه و کاربرد درست علوم مربوطه امکان‌پذیر است. این روی‌کرد ایجاب می‌کند برنامه و اقدامات اجرایی بر پایه شناخت علمی قوانین جامعه



و نگرش نظام‌مند استوار باشد و اقدامات بر اساس ساز و کار به‌هم‌پیوسته و یکپارچه در راستای تحقق اهداف کلی جامعه انسانی سازمان پیدا کند. حاکم بودن نگرش بخشی بر راهبردها و برنامه‌ها و غلبه جزئی نگرش بر نگاه نظام‌مند در کلیت سیستم اجتماعی، اولویت اقدامات محلی و منطقه‌ای بر منافع ملی و ترجیح منافع گروهی و فردی بر منافع اجتماعی ناشی از عدم کاربرد مبانی نظری علمی می‌باشد که سبب شده است برنامه‌های توسعه کشور در چهار دهه گذشته به ندرت به مرحله اجرا درآیند و شکاف عمیقی بین اهداف سیاست‌های کلی نظام با روند واقعیت‌های موجود بوجود آید. حاصل کاستی نظری در مدیریت اجرایی کشور بحران‌های اقتصادی، ناهنجاری‌های اجتماعی، محو شدن امید اجتماعی، فرار نیروی انسانی کارآمد، تخریب منابع کشور، افزایش هزینه‌های اجتماعی ناشی از فقر و الودگی محیط‌زیست می‌باشد. غلبه بر آشفتگی‌های اجتماعی و از هم‌گسیختگی اقتصادی ایجاب می‌کند برنامه‌های توسعه و اقدامات اجرایی بر شالوده نظری درست و مبتنی بر شناخت و علم جامعه بشری و بهره‌برداری از تجارب اجتماعی استوار باشد.

### ناکارآمدی مدیریتی

هر چند کاستی‌های نظری عامل مهمی است، اما در تاریخ تحولات جهان فراوان دیده می‌شود که حتی برنامه‌های ضعیف با مدیریت قوی به سرانجام خوبی رسیده‌اند. اما در کشور ما عامل مدیریت نیز با مشکلات اساسی مواجه است. مشکل جامعه ما این است که بدلیل فقدان ساز و کارهای حزبی و مدنی قوی در کشور وحدت‌گفتمانی در بین مدیران ایجاد نمی‌شود و هر کسی با اندیشه و سلیقه خویش کار می‌کند. ترجیح سلیقه و برداشت شخصی بر مدیریت خلاق مبتنی بر علم و قانون‌مداری ریشه در عوامل متعددی دارد که از دلایل عمده آن می‌تواند تحمیل شدن شرایط جنگی بر کشور که نگاه کوتاه مدت برای مبارزه فوری با تجاوز به میهن اسلامی را بر مدیران حاکم نمود و به تبع آن نبود آموزش کافی، کم‌تجربگی در مدیریت سامانه‌های پیچیده، استقرار مدیران بدون ضابطه حرفه‌ای و انتصاب مدیران با مهارت مدیریتی اندک اشاره نمود که آسیب‌های فراوانی را بر مدیریت اجرایی کشور وارد نموده است. مدیرانی که وحدت فکری و

هماهنگی اجرایی نداشته باشند عملکرد همدیگر را خنثی می‌کنند و این چیزی است که مثال‌های فراوانی در کشور ما دارد. بار سنگین تحقق اهداف کشور از عهده یکی دو مدیر ساخته نیست، لذا شبکه‌ای از مدیران لازم است که انرژی آن‌ها همسو با یکدیگر برای تحقق اهداف متمرکز شده و برای تحقق برنامه‌ها، نقش آفرینی کنند.

هنگامی که مدیریت از دانش اندک، تجربه غیرمرتبط و مهارت ناکافی برخوردار باشد توان تصمیم‌گیری مبتنی بر همه‌جانبه‌نگری و توجه به ابعاد مختلف موضوع تصمیم‌گیری و درک عمیق از مسئله تضعیف می‌شود و تصمیم‌گیری بسیار پرهزینه می‌گردد. عواقب نبود انضباط مالی در بودجه سالانه دولت، موانع دیوان‌سالاری گسترده در راه تولید، احداث سدها بدون لحاظ نمودن ابعاد زیست محیطی آن، چاپ پول بدون پایه تولید، تخریب منابع آبی کشور، آلودگی هوا در کلان‌شهرها، آلودگی زمین و آب در مناطق بالادستی نفت و گاز ناشی از عدم توجه به آثار محیط‌زیستی عملیات بالادستی نفت و گاز، تناقض‌ها در نظام مالیاتی و قانون کار، بسط هزینه‌های دولت همه از جمله موارد مهمی هستند که هزینه‌های گزافی را بر اقتصاد کشور تحمیل نموده‌اند و همه ناشی از ضعف مدیریت، تصمیم‌گیری غیرحرفه‌ای و مبتنی بر درک سطحی از موضوع بوده است.

### **نبود مشارکت اجتماعی و تعامل سیاسی**

برای تحقق یک برنامه یا پیاده شدن مجموعه‌ای از اهداف کلان، علاوه بر تمهیدات نظری و عنصر مدیریت، قدرت سیاسی به همراه مشارکت اجتماعی برای برنامه لازم است. در ایران عنصر قدرت سیاسی موردنیاز برای تحقق برنامه‌ها همواره با مشکلاتی مواجه بوده است. در دوره پیش از انقلاب، حکومت اساساً مخالف تحقق آزادی‌های سیاسی بود و در دوره بعد از انقلاب نیز اختلاف در نوع نگرش به اهداف و مقاصد مطلوب برای ملت ایران، باعث شده است که قدرت سیاسی به نحو یک‌دست، در خدمت تحقق اهداف و برنامه‌ای خاص قرار نگیرد. در واقع در درون حاکمیت همواره عده‌ای در برابر تحقق برنامه‌ها مانع تراشی کرده‌اند. از این رو تمهید ساز و کارهایی برای بسیج اقتدار سیاسی در جهت تحقق اهداف و برنامه‌ها پیش نیاز تحقق هر برنامه‌ای است.

برنامه توسعه همه‌جانبه و پایدار برای استقرار عدالت اجتماعی، پیشرفت جامعه و ایجاد محیط زندگی برازنده انسان اجتماعی تدوین و به مرحله اجرا درمی‌آید. تحول از طریق اجرای برنامه درغایت هدف ثبات و پایداری زندگی فردی و اجتماعی را پی‌می‌جوید. برنامه‌ای که برای ارتقای زندگی انسان تدوین می‌شود بدون مشارکت مردم نمی‌تواند به مرحله اجرا درآید. انسان مشارکت‌جو آزادی نظر و عمل لازم دارد. اجرای یک برنامه تنها توسط انسان و برای ارتقای زندگی آن تدوین می‌شود و او تنها زمانی برای اجرای برنامه می‌کوشد که به برنامه و قابلیت اجرای آن باور داشته باشد و به آن اعتماد کند. لازمه اعتماد اجتماعی شفافیت و عدالت اجتماعی است. در شرایط شفافیت و عدالت اجتماعی است که انسان درک درستی از برنامه و اقدامات دولت پیدا می‌کند و اعتماد به دولت او را به این باور می‌رساند که برنامه و اقدام با هدف بهبود سطح زندگی او همسو است و می‌تواند ارتقای زندگی انسان را در پی داشته باشد. لذا، مشارکت اجتماعی مردم در تدوین و اجرای برنامه یک سرمایه و پشتیبان برای تحقق اهداف برنامه و قابلیت اجرایی آن است.

مشارکت اجتماعی مردم در سرنوشت کشور هنگامی ممکن است که انسان بهبود زندگی را احساس کند و همبستگی اجتماعی و ملی را به‌عنوان یک عامل مهم برای هم‌افزایی تلاش انسان برای بهروزی و سعادت درک نماید. این امر به مفهوم آن است که شهروند کشور از اقتدار لازم برخوردار باشد و اقتدار از رعایت حقوق بشر حاصل می‌شود که در منشور حقوق بشر تمدن ایران بزرگ عینیت پیدا کرده است. شهروند با اقتدار و آگاه از حقوق انسانی خود در عین مسئولیت‌پذیری پاسخ‌گویی دولت در قبال تصمیم اتخاذ شده را مطالبه می‌کند. انسان مسئول، خود حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی خویش است که می‌تواند از یک طرف، مانع از تصمیم نادرست شود و هزینه‌های اجتماعی تصمیم‌های دولت را کاهش دهد و دولت را به پذیرش مسئولیت مجبور نماید و خود در تدوین و پیش‌برد راهبردها و اجرای برنامه‌ها مشارکت نماید. در این حالت است که برنامه ضمانت اجرایی پیدا می‌کند.

شهروند توانمند و آگاه بر حقوق خود برای ابراز وجود و مشارکت آگاهانه در پیشرفت کشور علاقمند به سیاست است. سیاست در مفهوم شهروند‌دردمند به معنی مهارت برای ایجاد امکانات و فرصت‌ها است. چون انسان اجتماعی

یک شهروند است او برای ایجاد فرصت‌ها نیاز به هم‌یاری و هم‌کاری و هم‌افزایی قابلیت‌ها برای تحقق اهداف مشترک است. در این صورت تعامل سیاسی شکل می‌گیرد و در تعامل سیاسی خلق فرصت‌ها و بالفعل نمودن امکانات بالقوه برای ارتقای زندگی فردی و اجتماعی مورد اهتمام قرار می‌گیرد. از این رو است که تعامل سیاسی برای تدوین برنامه و اجرای اقدامات مبتنی بر برنامه یک الزام برای پیشرفت اجتماعی است.

تا زمانی که کاستی‌ها و موانع مذکور وجود داشته باشند عاقبت حرکت‌ها و اقدامات اصلاحی همان خواهد بود که در گذشته بوده است. لذا، ساز و کاری که در این برنامه برای غلبه بر مشکل "کاستی‌های نظری" اندیشیده شده است، انتخاب "نظریه مدل اقتصاد اجتماعی" به مثابه مبنای نظری یک سیستم اجرایی و عملیاتی نمودن برنامه است. این نظریه ظرفیت آن را دارد که در مقطع فعلی، برای ملت ایران، در راستای رسیدن به آرمان‌های بلند خویش، کمک شایان توجهی بنماید.

## ۲- سازگاری نظریه مدل اقتصاد اجتماعی با آرمان‌ها و اهداف

دولت رفاه یکی از رایج‌ترین شکل دولت است که در دو سده گذشته شکل گرفته و سیر تکاملی را طی نموده است. این دولت در واکنش به بحران‌ها در فرآیند رشد اقتصادی پدید آمد. دولت رفاه برای غلبه بر این بحران‌ها که اصلی‌ترین آن‌ها بی‌کاری و گسترش فقر و فاصله طبقاتی در جامعه است، هدایت امور اقتصادی و ایجاد تعادل بین امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را وظیفه خود می‌داند. شاید بتوان گفت محصول کار دولت رفاه، در تحلیل نهایی، ارتقای حقوق شهروندی و گسترش سطح برخورداری اقتصادی و رفاه عمومی مردم است. از شاخصه‌های اصلی این دولت می‌توان به اقدامات آن در جهت توسعه حمایت‌های اجتماعی برای تعمیق همبستگی ملی و تامین خدمات اجتماعی و رفاهی برای همگان که از برجسته‌ترین آن‌ها امکانات بهداشتی و آموزشی است، اشاره کرد.

اقدامات رفاهی در کنار تامین امنیت و بستر لازم برای رشد اقتصادی ممکن است. اگر چه تعریف اولیه دولت رفاه در اوایل معرفی آن حاصل مبارزات اکثریت جوامع بشری برای دستیابی به شرایط مناسب و فرصت‌های یکسان بوده است ولی تحقق این امر در صورت کارآمد نمودن اقتصاد می‌توانست امکان‌پذیر باشد. کارآمدی اقتصاد در شرایط رقابت کامل شکل می‌گیرد و تخصیص منابع طبق ساز و کار بازار حالت بهینه پیدا می‌کند. تخصیص بهینه منابع ایجاد می‌کند بهره‌وری نهایی عوامل تعیین‌کننده

بهره‌مندی آن‌ها از دستاوردهای اقتصادی باشد و این امر با توزیع یکسان منابع بین مردم هم‌خوانی ندارد. تلاش برای ایجاد فرصت‌های یکسان و برابر برای آحاد جامعه جهت مشارکت در تولید اجتماعی و توسعه پایدار جامعه و برخورداری آن‌ها از دستاوردهای اجتماعی هنگامی تحقق پیدا می‌کند که اصل ثروت‌آفرینی در جامعه و کار خلاق به‌عنوان یک ارزش عمومیت پیدا کند و این امر تنها از طریق مبارزه با انحصارها و کاهش دخالت دولت در امور اجرایی اقتصاد امکان‌پذیر است. به این ترتیب است که مفهوم دولت رفاه در فرآیند تکوین آن به "اقتصاد اجتماعی" تکامل یافته و در دو دهه اول قرن بیست و یکم بصورت منشور **اروپای اجتماعی**<sup>۱</sup> مطرح شده است.

الگوی "اقتصاد اجتماعی" از یک سو توسعه فعالیت بخش خصوصی بر اساس ساز و کار بازار رقابتی را پی‌می‌گیرد و از طرف دیگر، حراست از حقوق بشر، به‌ویژه حقوق اجتماعی انسان و جایگاه آن در جامعه، را در سرلوحه خود قرار می‌دهد. اقتصاد بازار رقابتی زمینه برای تخصیص کارآمد منابع را فراهم می‌آورد و بهره‌برداری بهینه از عوامل تولید را جستجو می‌کند. چون بهره‌مندی از کارآمدی اقتصاد بر پایه بهره‌وری نهایی استوار است انگیزه مشارکت کارآفرینان و مردم در تولید ثروت را بوجود می‌آورد و فرد به ایفای نقش‌سازنده در تولید و فعالیت اجتماعی مورد تشویق قرار می‌گیرد زیرا دستاورد خود را صاحب است. ولی هزینه اجتماعی فعالیت انسان‌ها نیز در فرآیند کارکرد آحاد جامعه شکل می‌گیرد. هزینه‌های اجتماعی ناشی از فقر، بی‌کاری، شکاف‌های اجتماعی، یاس و ناامیدی اجتماعی، افول اخلاق حرفه‌ای و اجتماعی، به‌خطر افتادن امنیت، آلودگی محیط‌زیست و تخریب منابع از جمله هزینه‌های اجتماعی هستند که ناگزیر ناکارآمدی را بر جامعه تحمیل می‌نمایند. کمینه‌سازی هزینه‌های اجتماعی مسئولیت دولت است که فراتر از نگاه فردی به زندگی اجتماعی می‌نگرد و از طریق کاهش هزینه‌های اجتماعی همبستگی ملی را ارتقا می‌دهد. لذا، الگوی "اقتصاد اجتماعی" دو بال مهم را پی‌می‌جوید که کاهش هزینه‌های اقتصادی از طریق توسعه رقابت براساس ساز و کار بازار یک وجه و کمینه‌سازی هزینه‌های اجتماعی و در پی آن ارتقای جایگاه انسان و ایجاد همبستگی ملی صورت‌دیگر آن است. با توجه به این شاخصه‌ها و اینکه در شرایط کنونی قریب به نصف جمعیت

ایران در فقر مطلق به سر می‌برند و عوارض ناشی از فقر و محرومیت اقتصادی، آثار سوء بسیاری در عرصه‌های مختلف به جا نهاده است، به نظر می‌رسد سازمان‌دهی نظام اجرایی براساس مدل "اقتصاد اجتماعی" و فراهم آوردن لوازم آن، نقش بسیار مهمی در بهبود اوضاع کشور ایفاء خواهد کرد. در عین حال باید تاکید نمود، پرداختن به سیاست‌های رفاهی نه تنها عامل کاهش رشد اقتصادی نیست، بلکه اتخاذ این سیاست‌ها، رشد اقتصادی افزون‌تری را نیز در پی خواهد داشت. بطور کلی باید گفت الگوی "اقتصاد اجتماعی" یک مدل سیستم اجرایی برای تحقق اهداف نظام را منعکس می‌سازد که یک انرژی جدید و یک روی‌کرد تازه برای تحقق اهدافی که همواره برای ملت ما ثابت بوده، ولی رسیدن به آن‌ها با دشواری مواجه است، وارد عمل خواهد کرد. حال باید دید انتخاب راهبرد "اقتصاد اجتماعی" چه نسبتی با آرمان‌ها و اهداف ملت ایران در عرصه‌های مختلف خواهد داشت.

اهداف والای نظام جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی بطور مفصل و چکیده آن در اصل دوم قانون تشریح شده است. اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف می‌سازد برای نیل به اهداف مشخص شده در اصل دوم قانون مذکور، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.
- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و ترمیم آموزش عالی.
- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
- محو هرگونه استبداد و خود کامگی و انحصار طلبی.

- تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
- رفع تبعیض‌های ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.
- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.
- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.
- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.
- تامین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها.
- تامین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.
- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.
- تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

مروری بر اصل سوم و وظایف مشخص دولت در قانون اساسی حاکی از آن است که دولت جمهوری اسلامی ایران بایستی توسعه پایدار جامعه را سازمان‌دهی



نماید. پیش‌برد توسعه پایدار برای نیل به اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران مستلزم تجهیز دولت به نگرش نظام‌مند و همه‌جانبه در امور مختلف و توجه اکید به ارتباط گسترده و عمیق بین مسایل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. وظایف دولت در اصل سوم قانون اساسی دلالت بر آن دارد که برهم‌پیوندی امور مختلف و سازمان‌دهی فعالیت‌ها برای توسعه همه‌جانبه مجموعه جامعه تاکید بسیار است. لذا، پایه‌ریزی نگرش بنیانی و نظام‌مند در فرآیند توسعه کشور یک الزام اجتماعی است و تنظیم روش‌شناسی سازمان‌دهی تعمیق روند تکامل نظام جمهوری اسلامی ایران و تدوین برنامه اجرایی مبتنی بر نظریه منسجم یک ضرورت در این مرحله از فرآیند توسعه کشور بشمار می‌آید.

بررسی مواد مربوط به وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران مندرج در اصل سوم قانون اساسی، مشکلات و ضرورت‌ها در فرآیند توسعه کشور، فرصت‌ها و تهدیدها و با تکیه بر دست‌آوردهای علوم حاکمی از آن است که مفهوم الگوی حکمرانی مبتنی بر "اقتصاد اجتماعی" ساختار مناسب قوه مجریه را برای ادای وظایف دولت و حرکت بسوی تحقق اهداف مذکور در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آورد.

ارتباط حکمرانی با آرمان‌های مذهبی و حکومت ایده‌آل مردم با نگاهی مختصر به برخی از شاخص‌های حکومت مولای متقیان حضرت علی (ع)، به‌عنوان الگوی حکومت اسلامی، قابل تبیین است. بخشی از اصول حاکم بر حکومت حضرت علی (ع) را می‌توان بشرح زیر جمع بندی نمود:

- تأمین و تضمین عدالت اجتماعی به مفهوم ایجاد فرصت‌های یکسان و عادلانه برای آحاد جامعه و رسیدگی به وضعیت زندگی اقشار آسیب پذیر جامعه.
- تأکید مسئولین حکومتی بر کار، تلاش، کارآفرینی و سازندگی به‌عنوان یک ارزش و الگو شدن مسئولین حکومتی در عرصه کار و تلاش.
- مبارزه با فساد اداری و دیوان‌سالاری و رعایت حقوق مردم.

- مبارزه با حق ویژه برای افراد خاص، به‌ویژه صاحب منصبان، و جنگ علنی با هرگونه رانت اقتصادی، سیاسی، قضایی و اطلاعاتی که تاکید مولای متقیان براین امر را می‌توان در نامه‌های حضرت امام علی (ع) به مالک اشتر مشاهده نمود.

تجربه حکمرانی کارآمد و دست‌آوردهای علوم حاکی از آن است که مفهوم نوین حکمرانی مبتنی بر الگوی "اقتصاد اجتماعی" مبنی بر نماد سازمان‌گر اجتماعی، مدل مفهومی مناسب برای حل مشکلات کشور و تعمیق فرآیند توسعه پایدار ارایه می‌نماید. براساس این مدل می‌توان روش‌شناسی کارآمد را جهت تدوین برنامه برای ادای وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران توسعه داد و اهداف مذکور در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را محقق نمود.

حکمرانی مبتنی بر الگوی "اقتصاد اجتماعی" با تکیه بر تعریف بنیان آن دارای ویژگی‌های زیر است:

- بهترین ابزار اجرایی است که می‌تواند چارچوب فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را تدوین و اجرا نماید.
- نظریه "اقتصاد اجتماعی" هم‌خوانی بسیار خوبی با اقتضایات فرهنگ، سیاست و اقتصاد کشور دارد و انطباق آن با مطلوبیت تاریخی مردم، ارتباط مردم با دولت و اصل مالکیت فردی بر دستاوردهای حاصل از تلاش انسان مبرهن است.
- سیستم اجرایی مبتنی بر نظریه "اقتصاد اجتماعی" کاملاً پاسخ‌گوی اقتضای کارآمد نمودن اقتصاد و معنویت قوی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

با توجه به درک مذکور از "اقتصاد اجتماعی" به‌عنوان ابزاری برای سازمان‌دهی قوه مجریه جهت ادای وظایف آن، اجزای برنامه اجرایی در

عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در نوشتار حاضر ارایه می‌شود. مطالب در نوشتار حاضر در سه بخش تنظیم شده است. در بخش اول به تبیین ضرورت پیاده‌سازی الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" پرداخته می‌شود. بخش دوم به ارایه راه‌کار مشخص برای حل مشکل نظام مدیریت اختصاص دارد و در بخش سوم سیاست‌های مهم قوه مجریه در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توضیح داده می‌شود. امید است ارایه دیدگاه‌های مشخص در ارتباط با برنامه اجرایی الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" به گسترش مباحث نظری منجر شود و مشارکت آگاهانه و گسترده مردم در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تعمیق پیدا کند.

### ۳- ضرورت حکمرانی بر مبنای " اقتصاد اجتماعی "

پیروزی انقلاب سلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با تصویب قانون اساسی به عنوان تجلی اهداف نوگرایانه و سند اصلی آرمان های انقلاب اسلامی تثبیت پیدا کرد. در فرآیند تحکیم و گسترش انقلاب اسلامی و طی چهار دهه گذشته اقدامات ارزشمندی در راستای تحقق آرمان های انقلاب اسلامی و مفاد قانون اساسی مبنی بر استقلال، آزادی، ظلم ستیزی، عدالت و معنویت به انجام رسیده است. حال سوال اساسی آن است که تا چه حدی کارگزاران جمهوری اسلامی ایران توانسته اند انسان ایرانی را به سعادت توأمان دینی - دنیوی که آرمان کلی انقلاب بوده است رهنمون شوند؟

در پاسخ به سوال پایه ای فوق الذکر بایستی یادآور شد که علیرغم تلاش های فراوان و اقدامات ارزشمند و تفاوت معناداری که در ابعاد مختلف وضعیت قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایجاد شده است شرایط جاری کشور با تحقق آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی فاصله زیادی دارد و نشانه های آنرا می توان در سطح پایین توسعه یافتگی، فقر گسترده، بی کاری، شیوع استعمال مواد مخدر، گستردگی فاصله طبقاتی، کاهش مشارکت سیاسی مردم، یاس و ناامیدی، افت سطح زندگی، تنزل شدید قدرت خرید مردم، کاهش تعلقات معنوی، نارضایتی های سیاسی، وجود بزهکاری، افسردگی در بین اقشار مختلف جامعه، عدم کفایت وجدان کاری، ناکارآمدی سازمان اداری و ناامنی یافت. تداوم این وضعیت در سطح کلی تر نوعی بحران ناکارآمدی و تضعیف مشروعیت نظام را در جامعه و اذهان توده مردم القاء می کند. با درک چنین شرایطی است که نیروهای صادق، دلسوز و فداکار کشور بایستی برای

غلبه بر این چالش‌ها، برنامه علمی و دقیق‌ارایه نمایند تا با اجرای این برنامه‌ها تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی تسهیل شود و زندگی برآزنده ایرانی شکل بگیرد.

برنامه‌های توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هنگامی قابلیت اجرایی پیدا می‌کنند که مبتنی بر تحلیل واقع‌بینانه از وضعیت موجود و شناسایی ساز و کارهای منسجم باشند و براساس نظریه علمی و برپایه نگرش نظام‌مند و همه‌جانبه و درک بهم‌پیوندی‌ها و اندرکنش‌های زیر مجموعه‌های جامعه در عرصه‌های مختلف تنظیم شوند و بنا بر تجارب جامعه بشری در زمینه کاربرد ساز و کارها و روش‌ها تدوین گردد. همراه‌سازی برنامه علمی توسعه پایدار جامعه با اقتدار مدیریتی و مشارکت فعال مردم در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تحقق اهداف برنامه‌ای و هدایت جامعه در راستای آرمان‌های انقلاب اسلامی را تضمین می‌نماید. تحقق این وضعیت با عنایت به مجموعه شرایط حاکم بر جامعه یک چالش اجتماعی و سیاسی بزرگی است که موارد زیر اجزای اصلی آنرا تشکیل می‌دهند.

- یاس و ناامیدی و کاهش مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی یک معضل بزرگی است و غلبه بر آن ایجاب می‌کند تدابیر مشخص برای افزایش احساس رضایت مردم، احساس بازدهی و کارایی و احساس مشارکت اتخاذ شود.

- قریب به نصف خانوارهای جامعه در فقر مطلق زندگی می‌کنند و وضعیت معیشتی اقشار مختلف فاقد وضعیت مناسب و مطلوب است. فقر در جامعه به شدت از نرخ تورم بالا تأثیر می‌پذیرد. کنترل نرخ تورم از طریق ایجاد انضباط مالی در بودجه دولت و سامان‌دهی مدیریت نظام پولی کشور یک چالش جدی در مدیریت کلان کشور است.

- کارآمدی نظام به دلیل ضعف مدیریت و تشکیلات موازی در مجموعه‌های مختلف کشور به شدت آسیب دیده است و به تبع آن بحران ناکارآمدی نظام در اذهان مردم تداعی می‌شود. غلبه بر

کاستی‌های مدیریت اتخاذ خط‌مشی مشخص برای پیش‌برد امور براساس برنامه منسجم (برنامه محوری)، بهینه‌نمودن مدیریت منابع، سازمان‌دهی و اقتدار اجرایی مبتنی بر داناتی را لازم می‌نماید.

- سطح بالای بی‌کاری، به‌ویژه در گروه سنی بین ۱۵ الی ۳۰ سال و بخصوص در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، یک معضل بزرگ اجتماعی است که ممکن است گسترش بحران‌های وسیع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در پی داشته باشد. تدوین برنامه کارآمد برای اشتغال‌زایی از طریق افزایش سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی، ایجاد بستر مناسب برای جذب سرمایه خارجی و هدایت بخش‌های تولیدی به ایجاد ترکیب بهینه در عوامل تولید (کار و سرمایه) یک الزام اجتماعی است.

- تقابل جدی بین مصرف جاری و توسعه کشور شکل گرفته که سطح اندک تشکیل سرمایه و سهم بالای مصرف جاری در تولید ناخالص داخلی، رجحان مطلوبیت و رضایت در کوتاه مدت بر نگرش بلند مدت و توسعه پایدار جامعه تجلی این نابسامانی است. لذا، شناسایی روش‌های کارآمد برای هدایت درآمدهای نفت به سمت ایجاد زیربناهای تولید و تسهیل جریان سرمایه، کاهش نرخ تنزیل از طریق گسترش منابع سرمایه و حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در پروژه‌های بلند مدت، کاهش نرخ مالیات در پروژه‌های تولیدی مربوط به بخش خصوصی، ارایه تسهیلات برای بهینه‌سازی فرآیند و تعمیق دانش فنی و فناوری تولید و کنترل آلودگی محیط‌زیست یک چالش جدی در فرآیند تدوین و اجرای برنامه توسعه کشور است.

- ایران به دلیل برخورداری از موقعیت ژئوپلتیک خاص و منابع انرژی فراوان دارای مزیت‌های نسبی مشخص است که فرصت‌های قابل توجه را برای تسریع توسعه جامعه فراهم آورده است. بهره‌برداری از

مزیت‌های نسبی جامعه در وضعیت مطلوب نیست و بالفعل کردن فرصت‌های بالقوه یک الزام تاریخی در فرآیند توسعه کشور است و انجام این مهم ایجاب می‌کند در راستای توسعه و تعمیق بستر تحقیقات، گسترش هم‌کاری‌های منطقه‌ای در راستای پیشرفت، صلح و ثبات و تلاش برای بدست آوردن سهم قابل توجه از اقتصاد جهانی اهتمام شود.

مروری بر مسایل و چالش‌های بزرگ در فراراه توسعه همه‌جانبه جامعه حاکی از آن است که سازمان‌دهی نظام اجرایی کشور براساس نظریه مشخص و مبتنی بر دست‌آوردهای علوم در جامعه بشری یک الزام اجتماعی و تاریخی در این مرحله از فرآیند توسعه کشور است. تجارب اجرایی جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته و ملل مختلف در یک قرن گذشته حاکی از آن است که ارایه پاسخ مناسب به ضرورت مزبور از طریق توسعه و کاربرد الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" با توجه به مفهوم تکامل یافته آن در اواخر قرن بیستم امکان‌پذیر خواهد بود. حکمرانی خوب ایجاد توازن در بین امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهد، توسعه و تعمیق سرمایه انسانی و اجتماعی را از طریق ارتقای سطح آموزش و نظام آموزشی در سطوح مختلف پیگیری می‌نماید، حداکثر مشارکت مردم در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تضمین می‌کند، به ترویج گسترش فرهنگ مدرن سیاسی و اجتماعی از طریق تسهیل فعالیت‌های تشکل‌های غیردولتی و سیاسی اهتمام می‌ورزد، مبارزه با رانت اقتصادی، قضایی، سیاسی و اطلاعات، به‌عنوان یک ضرورت برای گسترش رقابت و افزایش امید و جلب مشارکت مردم، را در سرلوحه امور خود قرار می‌دهد و ایجاد فرصت‌های عادلانه برای احاد جامعه را وظیفه خود می‌شمارد.

#### ۴- مدیریت در حکمرانی مبتنی بر "اقتصاد اجتماعی"

نیروهای پرشور و انقلابی جامعه ما در بهار پیروزی انقلاب اسلامی با تهدیدات خارجی وسیع مواجه بودند و در آغازین سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی با جنگ تحمیلی روبرو شدند و دفاع از کشور و پاسداری از انقلاب به‌عنوان وظیفه ملی و شرعی تلقی شد. پس از پایان جنگ تحمیلی سامان‌دهی امور کشور در دستور کار قرار گرفت و مدیریت امور در سطوح مختلف را برعهده گرفتند. تجربه اندک مدیریتی و عدم دسترسی به دانش فنی مدیریت سبب شد سعی و خطا جایگزین نگرش علمی و نظام‌مند به امور باشد و مدیریت تجربی بر مدیریت تخصصی ترجیح داده شود. به تبع ضعف مدیریت، نبود تشکیلات منسجم و عقب افتادگی و عدم کفایت آموزش عالی در اوایل دهه هفتاد شمسی از سویی، و پیچیدگی مسایل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و ضرورت‌های کوتاه مدت جامعه از طرف دیگر وضعیتی را پیش آورد که انتخاب مدیران در سطوح مختلف براساس اعتماد شخصی صورت پذیرفت و این امر بتدریج در عرصه‌های مختلف تسری پیدا کرد. تداوم این وضعیت سبب شد روابط نسبی، سببی و سیاسی به‌عنوان معیار عمده برای انتخاب مدیران تلقی شود. پیامد گسترش این وضعیت موجب شده است سطح کارآمدی و بازدهی نظام مدیریت کشور تنزل یابد و رانت‌جویی و فساد اداری ترویج پیدا کند و اعتماد مردم به نظام، که بزرگترین سرمایه اجتماعی کشور و نظام بشمار می‌آید، دچار چالش شود. به این ترتیب، ادامه بحران ناکارآمدی و مشروعیت نظام را در اذهان توده مردم تداعی



نموده است. از این رو، اصلاح نظام مدیریتی و کارآمد نمودن آن براساس علم، دانش و مهارت‌های مدیریتی مبتنی بر نگرش‌های نظام‌مند، راهبردی و مردم‌سالاری از وظایف مهم دولت اجتماعی می‌باشد. برای تحقق این امر پیگیری امور زیر در اولویت خواهد بود:

۴-۱- انتخاب مدیر امور اجرایی براساس معیارهای مبتنی بر دانایی، کاردانی، مهارت، علاقه‌مندی، باور عمیق بر موضوع و اهمیت کار، شناخت علمی، و تسلط بر نگرش نظام‌مند و راهبردی و مبارزه با شیوه‌های انتخاب مدیر اجرایی برپایه رابطه نسبی، سببی و سیاسی.

۴-۲- توسعه نظارت اجتماعی بر عملکرد قوه مجریه از طریق تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد و شفافیت در ارائه اطلاعات و پاسخگو نمودن مدیران در برابر جامعه

۴-۳- تفکیک امور سیاست‌گذاری و تصدی‌گری از یکدیگر و تقویت و ارتقای نقش سیاست‌گذاری در مدیریت دولتی و واگذاری مدیریت امور تصدی‌گری به بخش خصوصی واقعی و کارآفرین.

۴-۴- ارتقای سطح کارایی نظام اجرایی کشور از طریق توسعه و تعمیق هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، ترجیح منافع ملی بر منافع بخشی، گروهی و جناحی، محلی و قومی در سطوح مختلف نظام مدیریتی کشور و فرآیند تصمیم‌گیری.

۴-۵- ایجاد بنیان‌های علمی برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، گسترش فرهنگ مدیریت علمی مبنی بر تصمیم‌گیری براساس شناخت علمی و تحلیل نظام‌مند بنابر اطلاعات دقیق و حقایق از واقعیت‌ها.

۴-۶- تخصیص بهینه منابع، ایجاد محیط رقابتی و هدایت عوامل و تسهیل جریان شفاف اطلاعات.

۴-۷- کارآمد نمودن نظام مدیریتی کشور از طریق توسعه و تعمیق سرمایه انسانی، گسترش انگیزه‌های فردی و اجتماعی در نظام مدیریتی، جلب مشارکت نخبگان جامعه در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه کشور، ایجاد پویایی و انعطاف در نظام اداری و اجرایی.

۴-۸- اصلاح ساختار مدیریت اجرایی با ایجاد بستر مناسب برای پایه‌گذاری فرآیند تصمیم‌گیری بر کار کارشناسی علمی و متعهدانه، توسعه احساس مشارکت در فرآیند تصمیم‌سازی برای کارشناسان، تعمیق احساس بازدهی در بدنه کارشناسی و مدیریتی کشور در سطوح مختلف و احساس رضایت فردی از کار جمعی و مبارزه جدی با مخدوش‌سازی اطلاعات و گسترش نظارت اجتماعی بر فرآیند تصمیم‌گیری.

## ۵- برنامه توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

بررسی اجمالی مسایل عمده کشور و نگاهی کلی بر خط‌مشی و سیاست‌های کارگزاران نظام در سه دهه گذشته و ارزیابی کلی روش‌های مختلف علمی برای تدوین راه‌حل مناسب جهت غلبه بر مشکلات در فرا راه توسعه نظام جمهوری اسلامی ایران حاکی از آن است که مسایل کشور دارای ابعاد گسترده، پیچیده و متنوع است و هرگونه برخورد انتزاعی و مجرد به امور کشور دارای پیامدهای ناگوار خواهد بود که کند شدن فرآیند توسعه کشور را در پی دارد. تاکید بر رشد اقتصادی صرف در دوره سازندگی و عمده نمودن توسعه سیاسی بدون توجه جدی بر دیگر عرصه‌های نظام در دوران اصلاحات، توزیع منابع کشور بدون پایه علمی و عقلی و گسترش فساد اقتصادی در دهه ۸۰ شمسی و بالاخره تاکید بر حل مسایل سیاست خارجی بدون تقویت بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی کشور در یک دهه گذشته سبب شده است فرآیند تعمیق توسعه به کندی پیش رود و فرصت‌های زیاد و مهم از دسترس خارج شود که پیامد عمده آن کاهش اعتماد مردم به توانایی نظام مدیریتی کشور برای حل مسایل است. لذا، برنامه توسعه کشور بایستی جامع و مبتنی بر نگرش نظام‌مند و بلند مدت طراحی گردد. برنامه‌ای که اینک تقدیم می‌شود مجموعه به هم تنیده و یکپارچه‌ای است که اجزای آن مشتمل بر امور فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حول یک محور مشخص و اساسی مبتنی بر الگوی منسجم و تجربه شده "اقتصاد اجتماعی" طراحی و تنظیم شده است و اجرای آن نیز بایستی با تاکید بر مجموعه یکپارچه انجام گیرد. حاصل تحقق اجرای مجموعه

به هم پیوسته "عدالت اجتماعی، زندگی برآزنده ایرانی و ارتقای حقوق شهروندی" خواهد بود و مشخصه آن "اقتدار مدیریتی مبتنی بر تامین عدالت اجتماعی، زندگی شرافتمندانه برآزنده ایرانی، آسایش و آرامش از طریق علم، دانایی، کارآمدی و مهارت مدیریتی" است.

برنامه توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در پنج بخش عمده تحت عناوین فرهنگی، اجتماعی، سیاست داخلی، اقتصادی و سیاست خارجی تنظیم شده است که موارد عمده آن به ترتیب زیر ارایه می شود.

### ۵-۱-۱- فرهنگ

برنامه فرهنگی الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" اجرای امور زیر را در عرصه فرهنگی پیگیری می کند:

۵-۱-۱- توسعه عقلانیت مبتنی بر آگاهی و اطلاعات.

۵-۱-۲- ایجاد بستر مناسب برای گسترش انگیزه های انسانی و معنوی و ارتقای سطح ایمان و اعتقاد دینی مردم.

۵-۱-۳- تعمیق فرهنگ حقوق شهروندی و دفاع از آن و ایجاد بستر مناسب برای شکل گیری شهروند آگاه و مقتدر برای گسترش مشارکت فعال مردم در سرنوشت کشور و عرصه های اجتماعی و سیاسی.

۵-۱-۴- توسعه عقلانیت مبتنی بر آگاهی، اطلاعات و ترویج و گسترش اندیشه ورزی علمی، فرهنگ تحقیق و تتبع از طریق سازمان دهی فرآیند تولید علم و دانش فنی و اطلاعات، گسترش فعالیت های تحقیقاتی، رفع عدم توازن در فرآیند تولید علم، مقابله با نگرش سطحی بر فرآیند تولید علم، ترویج نگاه مدرن به سازمان دهی فعالیت پژوهشی، ترجیح تحقیقات کاربردی هدفمند و در راستای تعمیق توسعه کشور بر مطالعات سطحی و آموزش نیروی انسانی.

۵-۱-۵- ترویج فرهنگ کار، خلاقیت، فعالیت مبتنی بر برنامه و بهره‌وری و ارتقای آن تا سطح ارزش‌های اجتماعی به منظور توسعه انسان خلاق، مبتکر، با انضباط و وجدان کاری بالا.

۵-۱-۶- تشویق و ترویج فعالیت‌های مدنی و تشکل‌های فرهنگی براساس توسعه تشکل‌های مدنی، فرهنگی و تخصصی به منظور تعمیق خلاقیت و وجدان کاری از طریق تعامل فعال انسان با جامعه.

۵-۱-۷- مبارزه با رفتارهای کاسبه‌کارانه، پول‌محوری و رانت‌جویی از طریق ارتقای سطح شعور اجتماعی و ترویج فرهنگ کار، تلاش، خلاقیت و توانمندسازی انسان‌ها.

۵-۱-۸- ایجاد بستر مناسب برای رشد و تعمیق فرهنگ ملی و محلی، زبان ملی و ایرانی، تشویق فعالیت هنری و توسعه فعالیت ورزشی برای بروز خلاقیت‌ها و مشارکت فعال انسان‌ها در کنش‌های اجتماعی و سیاسی از طریق گسترش و تعمیق شوراجتماعی، غرور و هویت ملی.

۵-۱-۹- توسعه کثرت‌گرایی فرهنگی، احیای میراث فرهنگی در تمام ایران با توجه به تنوع فرهنگی کشور و گسترش و تعمیق عدالت فرهنگی.

۵-۱-۱۰- ایجاد بستر مناسب برای ترویج میراث تمدنی، فرهنگی و مذهبی ایرانی در راستای ارتقای سطح فرهنگی جامعه بشری

۵-۱-۱۱- شعار فرهنگی حکمرانی خوب "توسعه هویت، غرور ملی و دینی و تعمیق تمدن و فرهنگ ایرانی" است.

## ۵-۲-اجتماعی

سیاست‌های اجتماعی الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" برای اجرای امور زیر تنظیم و تدوین شده است:

۵-۲-۱- جلوگیری از گسترش فقر و تعمیق حمایت اجتماعی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه از طریق گسترش نظام حمایت اجتماعی، کارآمد نمودن چتر حمایت اجتماعی و تضمین تامین نیازهای اولیه زندگی آحاد جامعه و برخورداری مردم از حق کیفیت زندگی، حق مسکن و خدمات آموزشی و بهداشتی و درمانی درخور انسان.

۵-۲-۲- ایجاد فرصت عادلانه برای کار و تلاش و رشد خلاقیت انسان‌ها و خدمت به جامعه متناسب با توانایی‌های هر فرد.

۵-۲-۳- ایجاد بستر مناسب برای تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و جلب مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۵-۲-۴- ایجاد بستر مناسب برای اجرای مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای شکوفایی، توسعه و تعمیق حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی در راستای تعمیق و گسترش انسجام ملی ایرانیان.

۵-۲-۵- توسعه انسانی و گسترش سرمایه اجتماعی برپایه دانایی از طریق گسترش و تعمیق منزلت اجتماعی فعالین فکری جامعه و ایجاد بستر مادی، معنوی و اجتماعی متناسب با شان و نقش معلمین، اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، روحانیون، دانشجویان، طلاب، تولیدکنندگان فرهنگ و ادبیات، هنرمندان، ورزشکاران، کارآفرینان، روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه‌های جمعی.

۵-۲-۶- ایجاد بستر مناسب برای توسعه مشارکت اجتماعی و فعالیت های زنان در همه عرصه های جامعه و برخورداری آن ها از فرصت ها و امکانات برابر و عادلانه و متناسب با شان، جایگاه و توانمندی زنان.

۵-۲-۷- ایجاد بستر مناسب برای توسعه فعالیت ها و خلاقیت جوانان و جلب مشارکت اجتماعی نیروهای جوان و پرشور جامعه در فرآیند توسعه پایدار جامعه.

۵-۲-۸- توسعه نظارت و کنترل اجتماعی بر عملکرد دولت و محدود نمودن نقش دولت به سیاست گذاری.

۵-۲-۹- حراست از حقوق و مالکیت سرمایه های مادی و معنوی افراد حقیقی و حقوقی و گروه ها و نهادهای اجتماعی.

۵-۲-۱۰- حمایت از و گسترش فعالیت های اجتماعی مردم بصورت تشکل های غیردولتی، تخصصی، صنفی و سیاسی، توسعه عقلانیت گفتاری در سطح جامعه و ایجاد بستر مناسب برای توسعه رقابت سازنده و تعامل بین گروه ها، احزاب، اقشار و انجمن ها.

۵-۲-۱۱- مبارزه با فساد اجتماعی، قاچاق و مواد مخدر، مبارزه با فساد اداری، جلوگیری از حقوق ویژه برای افراد یا گروه های خاص، مقابله با رانت قضایی، سیاسی و اطلاعات.

۵-۲-۱۲- بازسازی سرمایه های اجتماعی، تعمیق فرآیند اعتماد سازی و گسترش انسجام و همبستگی ملی.

۵-۲-۱۳- توسعه فرهنگ و باور تعامل با جامعه جهانی در راستای گسترش منافع ملی و برای اجرای برنامه های سیاست خارجی به منظور حداکثر نمودن مزیت های نسبی کشور و ایجاد فرصت های لازم برای توسعه توان رقابت کشور در عرصه بین المللی.

۵-۲-۱۴- گسترش فرهنگ و باور تعامل با کشورهای هم‌جوار و هم‌کاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای توسعه فرصت‌ها و امکانات برای حداکثر نمودن منافع ملی و گسترش جایگاه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نیروی محرکه پیشرفت، صلح و ثبات خاورمیانه و آسیای میانی.

۵-۲-۱۵- شعار اجتماعی حکمرانی مبتنی بر اقتصاد اجتماعی "توسعه پایدار، ایجاد ثبات اقتصادی، ایجاد اشتغال، کارآمدی و ارتقای کیفیت زندگی برآزنده ایرانی" است.

### ۵-۳- سیاست داخلی

توسعه امکانات، فرصت‌ها و محدود نمودن تهدیدات، موضوع سیاست داخلی الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" است که از طریق اجرای موارد زیر بالفعل می‌شود:

۵-۳-۱- گسترش امکانات، بسط فرصت‌ها و حداقل نمودن تهدیدها از طریق تشویق، تسهیل و تضمین حداکثر مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی.

۵-۳-۲- توسعه و تعمیق ساز و کارهای مردم‌سالاری از طریق ترویج فرهنگ سیاسی مدرن و ترجیح فعالیت سیاسی مدرن (مبتنی بر ساختارها) بر فعالیت سیاسی سنتی (مبتنی بر شخص).

۵-۳-۳- توسعه فرهنگ تعامل، عقلانیت‌گفتاری، رعایت قواعد فعالیت سیاسی براساس قانون اساسی و قوانین موضوعه، حمایت از تشکل‌های مدنی و سیاسی به منظور گسترش مشارکت سیاسی مردم در راستای بسط اقتدار ملی و هدایت فعالیت گروه‌های سیاسی بسوی قانون‌مداری از طریق گسترش رقابت سیاسی.



۵-۳-۴- ایجاد چارچوب‌های قانونی و ترویج و گسترش قانون‌مداری، ترویج آموزش قانون‌مداری برکنترل عملکردها، پیشگیری از بروز برخوردهای مخرب سیاسی و اعمال اقتدار حکومتی جهت جلوگیری از فعالیت‌های تخریبی و فراقانونی.

۵-۳-۵- حداکثر بهره‌برداری از اقتدار و امکانات بالقوه جایگاه ریاست جمهوری در راستای حراست و توسعه امنیت ملی و جلب حداکثر مشارکت مردم در فرآیند توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.

۵-۳-۶- تقویت بنیه نیروهای انتظامی و امنیتی و کارآمد نمودن آن به منظور حراست از نظم اجتماعی و تضمین اجرای قانون و جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان.

۵-۳-۷- توسعه بنیان امنیتی و اطلاعاتی کشور با هدف حراست از مرزهای کشور، انسجام ملی و اقتدار نظام اسلامی به منظور گسترش آرامش و آسودگی خاطر آحاد جامعه، حفاظت از مردم‌سالاری و ایجاد بستر مناسب برای پیشرفت در همه عرصه‌ها.

۵-۳-۸- شعار سیاسی الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" توسعه تعامل سیاسی، حداکثر مشارکت مردم، قانون‌مداری و امنیت ملی "است.

#### ۵-۴- اقتصادی

برنامه اقتصادی الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" براساس نظریه اقتصاد بازار رقابتی تنظیم و تدوین شده و توسعه رقابت در عرصه اقتصاد به منظور حداکثر نمودن کارآمدی و ایجاد شرایط زندگی برازنده ایرانی موضوع محوری سیاست اقتصادی است که موارد زیر را شامل می‌شود:

۵-۴-۱- ایجاد بستر مناسب برای دستیابی به زندگی برآزنده ایرانی با عنایت به مجموعه محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و طبیعی و از طریق توسعه سرمایه انسانی، اجتماعی و فیزیکی.

۵-۴-۲- راهبری و سازمان‌دهی تعامل سازنده بین عناصر نظام اقتصادی و رفع موانع در فراراه توسعه رقابت عادلانه در عرصه اقتصاد براساس ساز و کار بازار رقابتی.

۵-۴-۳- هدفمند نمودن یارانه‌ها (به‌ویژه یارانه انرژی) برای کاهش ضایعات و تخریب منابع در اقتصاد و احیا و کاربرد منابع اقتصادی تلف شده برای ایجاد ثبات اقتصادی، سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار جامعه.

۵-۴-۴- مبارزه با هرگونه رانت اقتصادی و انحصارات به منظور ایجاد فرصت‌های عادلانه برای آحاد جامعه، گسترش رقابت و جلوگیری از شکل‌گیری انحصارات دولتی، شبه‌دولتی و خصوصی.

۵-۴-۵- ایجاد تحول در بازار کالا، سرمایه و کار از طریق توسعه تعادل اقتصادی و متناسب نمودن قیمت‌های کالاها و خدمات با هزینه نهایی (حاشیه‌ای) تولید و عرضه آن‌ها و متناسب نمودن قیمت عوامل تولید با بهره‌وری نهایی (حاشیه‌ای) آن‌ها به منظور ایجاد زمینه برای گسترش رقابت.

۵-۴-۶- تضمین بهره‌مندی اقشار زحمتکش و نیروی کار فکری، فیزیکی و سازمان‌گر جامعه از دست‌آوردهای اقتصادی متناسب با نقش آن‌ها در فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی و براساس بهره‌وری نهایی (حاشیه‌ای) آن‌ها در تولید کالاها و خدمات و مبتنی بر حقوق عادلانه و رقابت.

۵-۴-۷- افزایش سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، گسترش زیرساخت تحقیقاتی و فنی جامعه، ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه انسانی و ترغیب کارآفرینی.

۵-۴-۸- کاهش مداوم سهم درآمدهای نفت و گاز طبیعی در بودجه جاری دولت و تخصیص منابع حاصل از درآمدهای نفت و گاز طبیعی به تعمیق کیفیت و توسعه سرمایه انسانی، اجتماعی و فیزیکی و جایگزینی صادرات نفت با صادرات کالاها، خدمات و فناوری نوین.

۵-۴-۹- ایجاد بستر مناسب برای تحول مداوم و پیوسته در وضعیت اقتصادی همراه با ایجاد ثبات و پایایی نظام اقتصادی در راستای کنترل نرخ تورم، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و تشویق فعالیت‌های اقتصادی کارآمد از طریق اعمال انضباط مالی در بودجه دولت و اعمال مدیریت کارآمد بر سیستم پولی کشور.

۵-۴-۱۰- کاهش نقش تصدی‌گری و فعالیت اقتصادی دولت و واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی کارآفرین و توانمند و محدود نمودن فعالیت دولت به عرصه‌هایی که شکست بازار روی می‌دهد.

۵-۴-۱۱- کمینه‌سازی هزینه‌های اجتماعی تولید و فعالیت اقتصادی از طریق بهینه‌سازی مصرف منابع (آب، انرژی و منابع طبیعی)، کاهش آلودگی محیط‌زیست و مدیریت تقاضای کالاها و خدمات برای ارتقای کیفیت زندگی برازنده ایرانی.

۵-۴-۱۲- افزایش سهم تحقیقات و توسعه فناوری نوین در تولید ناخالص داخلی و هدایت فعالیت‌های اقتصادی در راستای توسعه

عمقی نظام اقتصادی مبنی بر بهینه نمودن کاربرد عوامل تولید مبتنی بر دانایی و تولید دانش، نوسازی نظام اقتصادی و ارتقای سطح بهره‌وری عوامل تولید.

۵-۴-۱۳- کارآمد نمودن نظام اقتصادی از طریق افزایش کارایی سرمایه نرم‌افزاری اقتصاد (دانش فنی، سرمایه انسانی، خلاقیت، کارآفرینی، سازمان‌دهی و مدیریت) و بهبود کارکرد سرمایه فیزیکی از طریق بهینه‌سازی فرایندها و جریان انرژی و کنترل آلودگی محیط زیست به منظور انتقال نظام اقتصادی از مرحله توسعه سطحی به مرحله توسعه عمقی.

۵-۴-۱۴- توسعه و تعمیق ارتباط بین‌المللی اقتصاد، رعایت قواعد بازی در عرصه بین‌المللی و پیوند اقتصاد کشور با اقتصاد جهانی با پشتیبانی از بخش خصوصی توانمند و از طریق نهادهای اقتصادی و تجاری بین‌المللی، بین مناطق و بین دول برای حداکثر بهره‌برداری از مزیت‌های نسبی کشور.

۵-۴-۱۵- ایجاد تعامل و هم‌کاری با اقتصاد جهانی، توسعه هم‌کاری اقتصادی با مناطق بزرگ اقتصادی جهان (اتحادیه اروپا و آسیای شرقی) و تعمیق هم‌یاری اقتصادی با کشورهای آسیای میانی و خاورمیانه و ایجاد فرصت‌ها برای حداکثر بهره‌برداری از مزیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و طبیعی کشور.

۵-۴-۱۶- بالفعل نمودن مزیت‌های نسبی کشور به منظور تسهیل جریان سرمایه خارجی به کشور و ایجاد فرصت‌ها برای حداکثر نمودن تولید ارزش افزوده نهایی عوامل و تکمیل چرخه تحقیقات- فناوری- تولید از طریق هم‌کاری بین‌المللی.

۵-۴-۱۷- شعار اقتصادی الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" "توسعه پایدار، ایجاد ثبات اقتصادی، کاهش نرخ

تورم، ایجاد اشتغال، افزایش تولید، کارآمدی و زندگی  
برازنده ایرانی" است.

## ۵-۵- سیاست خارجی

سیاست خارجی الگوی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" براساس  
عزت، حکمت و مصلحت و در راستای اجرای اصول قانون اساسی،  
تضمین منافع ملی و حداکثر بهره‌برداری از مزیت‌های نسبی کشور  
تنظیم شده و مشتمل بر موارد زیر است:

۵-۵-۱- ایجاد بستر مناسب برای تقویت جایگاه جمهوری اسلامی  
ایران در عرصه بین‌المللی و توسعه و بهره‌برداری از فرصت‌ها  
برای افزایش مزیت نسبی کشور و تامین منافع ملی.

۵-۵-۲- ایجاد بستر مناسب برای گسترش گفتگو بین ملت‌های مختلف  
با تاکید بر نقش فعال و تاثیرگذار جمهوری اسلامی ایران  
مبتنی بر میراث فرهنگی ایرانی و اسلامی.

۵-۵-۳- ایجاد فرصت‌ها برای گسترش و تعمیق بازه مزیت‌های  
نسبی کشور و تعمیق نقش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان  
عنصری فعال و تاثیرگذار در سیاست بین‌المللی در راستای  
حداکثر نمودن منافع ملی و ایجاد صلح و ثبات در منطقه  
خاورمیانه و آسیای میانی.

۵-۵-۴- کاهش ریسک ناشی از تنش‌های سیاسی و نظامی بین‌المللی  
و منطقه‌ای، مقابله با تحریم‌های اقتصادی و فنی بر علیه  
جمهوری اسلامی ایران، افزایش فعالیت دیپلماتیک به  
منظور ایجاد فرصت‌ها و امکانات برای کاهش اقدامات علیه  
جمهوری اسلامی ایران و افزایش جذابیت همکاری بین‌المللی  
و منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران برای سایر کشورها.

۵-۵-۵- افزایش توان بازدارندگی برای مقابله با جنگ‌های تحمیلی اقتصادی، نظامی و فرهنگی و ارتقای توان اقتصادی، دفاعی و بهره‌برداری از سابقه تمدن ایرانی و اسلامی کشور برای ترفیع جایگاه ایران در منطقه و جهان.

۵-۵-۶- رفع موانع در فراراه ایفای نقش سازنده و فعال در عرصه سیاست بین‌المللی و منطقه‌ای و کسب ابتکار عمل در حل مسایل سیاسی، تنش‌ها و برخوردها به‌ویژه در خاورمیانه، آسیای میانی و شبه قاره هند.

۵-۵-۷- توسعه همکاری‌های سیاسی منطقه‌ای براساس مزیت‌های نسبی جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه از طریق توسعه و گسترش شبکه‌های انرژی و ارتباطات در خاورمیانه، آسیای میانی و شبه قاره هند و اتصال شبکه‌های به‌هم‌پیوسته انرژی به شبکه‌های انرژی اتحادیه اروپا و آسیای شرقی برای تثبیت و تعمیق صلح و آرامش در منطقه با محوریت جمهوری اسلامی ایران بدلیل مزیت‌های جغرافیایی و منابع انرژی آن.

۵-۵-۸- فعال نمودن حرکت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و تبدیل آن به نیروی محرکه پیشرفت، صلح و ثبات سیاسی و اجتماعی در منطقه خاورمیانه، آسیای میانی و شبه قاره هند.

۵-۵-۹- شعار سیاست خارجی حکمرانی "اقتصاد اجتماعی" صلح و ثبات و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی برای تامین منافع ملی" است.

## پیوست

### فهرست گزارش‌های اقتصاد اجتماعی

- ۱- الگوی حکمرانی «اقتصاد اجتماعی»، جلد ۱، اردیبهشت ۱۴۰۰
- ۲- اقتصاد اجتماعی: الگوی حکمرانی برای مقابله با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران، جلد ۲، اردیبهشت ۱۴۰۰
- ۳- اقتصاد اجتماعی: برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، جلد ۳، اردیبهشت ۱۴۰۰

مقابله با چالش‌های بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاست خارجی در کشور عزم، اراده و اقتدار مدیریتی مبتنی بر علم، دانایی و کارآمدی از طریق کاربرد علم و دانش روز و بکارگیری مهارت‌های مدیریتی را لازم دارد.

تامین زندگی شرافتمندانه برازنده ایرانی و ایجاد آسایش و آرامش در جامعه با راهبردها و راهکارهای عملگرایانه برای ایجاد اشتغال، رشد پایدار تولید و رونق اقتصادی امکانپذیر است که این امر به کمک نیروی انسانی آگاه، توانمند، شهروند مقتدر و مشارکت اجتماعی تحقق پیدا میکند.

الگوی حکمرانی اقتصاد اجتماعی بر شالوده تجارب جامعه بشری، مبارزات تاریخی در ایران و بهره‌برداری از این تجارب و پتانسیل‌های انسانی، فرهنگی و طبیعی کشور برای ایجاد تحول جهت برقراری ثبات اقتصادی و اجتماعی، توسعه پایدار و پیشرفت اجتماعی طرح‌ریزی شده است. بنابراین دستاورد اقتصاد اجتماعی ایجاد تحول در اقتصاد برای ثبات، پایداری و پیشرفت اجتماعی خواهد بود.

**محسن مهرعلیزاده**

اردیبهشت ۱۴۰۰